

مدرسه ماهر

«مدرسه» نه تنها به عنوان یک نوع معماری، بلکه به عنوان بخشی از زندگی روزمره و هویت نوجوانان است که فراتر از هر مکان فیزیکی است و رابطه نوجوانان را با خود، دیگران و جهان اطراف منعکس می‌کند. مفهوم «مدرسه» در ایران و جهان طی چند دهه گذشته دستخوش تغییرات چشمگیری شده است؛ و فرهنگ جز مهم ترین این تغییرات است. ما در روند طراحی «مدرسه ملوران» فرصتی برای جستجوی معنای عمیق معاصر «مدرسه» یافتیم. مدرسه قطعاً موضوعی جذاب برای پیاده سازی تفکرات یک دفتر معماری است؛ چرا که به واسطه‌ی میان مقیاس بودن، توانایی بازتولید یک مکانیزم فضایی مجزا را دارد که در عین حضور در بستری مشخص، خود می‌تواند یک عرصه جدید را برای گونه‌ای آلترناتیو از فضا پیش بکشد. و به شهر می‌تواند پیشنهاد یک رفتار فضایی متفاوت را دهد. بنظر آموزش و تداوم ارتقاء فرهنگ با حضور گروه‌های مختلف این امر را امکان پذیر می‌سازد. بنابراین، این پروژه به دنبال تعامل موثر با بافت خود و تبدیل شدن به مکانی امن و آرام است که بتواند آرامش از دست رفته را به دانش آموزان خود بازگرداند. مدرسه در روستای ملوران و در کنار عبادتگاه وحدت قرار دارد؛ ما مدرسه رو با افزایش عملکرد فضا و جابجایی عیدگاه وحدت تبدیل به یک مرکز ثقل فرهنگی کرده ایم که قابل گسترش است و از طرف همه اهالی مورد استقبال و حمایت قرار می‌گیرد. و تولید فضاهای فرهنگی جهت راه اندازی و تداوم خیرین فرهنگی (که خلق واژه ای جدید است در کنار خیرین مدرسه ساز)، فضاهای سه زمانه: ظهر(فضاهای آموزشی مدرسه)، بعد از ظهر (فعالیت های فنی و حرفه ای و صنایع دستی بانوان و مرکزی برای خرید و فروش در کنار مدرسه) و شب (فضای فوق برنامه و فرهنگی پخش فیلم و و برگزاری مراسمات) از اهداف اصلی طراحی ما است. .

این که ما مدرسه را به شکل بلوکی بزرگ در روستا ببینیم که خود را در شکل یک سردر و ساختمان مشاعی محدود کرده، نیاز به یک شکستن و تفکیک شدن و بازاندیشی دارد. ما نیاز داریم تا برنامه خواسته شده توسط سفارش دهنده را منفجر کرده و در طی یک عمل جراحی در جاهای جدید خود و برحسب پلان اصلی جانمایی کنیم و با تمرکززدایی از یک بلوک مشخص می‌توان قابلیت پرسه زن را برای تسخیر فضا و تبدیل آن به جزوی از هویت فضایی خود افزایش داد. از طرفی تئوری‌هایی هم سو با رابطه ای با نیاکان منطقه وجود دارد. مجاورت شهر سوخته با مکان پروژه، به عنوان یک فضای خاص و مورد توجه برای همه مردم منطقه جنوب می باشد. بنابراین استفاده از یک سیستم خطی پیوسته در کلیت طرح و سیستم های ساکن درون پوسته ها که به نوعی تحت تأثیر یک سازمان دهی درونی قرار دارد و به نوعی گفتگوی بدیع بین توده و سطح می‌باشد که از ایجاد یک نظم حجمی برآمده است. همچنین این نکته در شاکله‌ی معماری مدرسه حائز اهمیت است و هویت بصری و فضایی موجود در عملکردها را شکل دادند که در نتیجه‌ی این تئوری‌ها، نوع نگاه به سطوح به شکلی است که خود را از طبقات جدا کرده و به فضاهایی با ارتفاعات نامحسوس و متغیر تبدیل شوند. این کمرنگ کردن مفهوم طبقه و الویت دهی به فضا، به عنوان عاملی که معماری را شکل می‌دهد در ساماندهی آتی مدرسه برای ما بسیار حائز اهمیت بود. از دید ما مجموعه‌ای از کف‌های متنوع برای شکل گیری فضا، رو یا زیر آنها وجود دارند. در نتیجه مسأله در طراحی این مدرسه ماهیتی بود که توسط سفارش دهنده نیز بسیار مورد تأکید بود و ما را از ابتدا بر آن داشت که علاوه بر تعریف ساختاری آن به یک ماهیتی فرمال هم فکر کنیم و این که چه ماهیتی می‌تواند ما را به خواسته‌های تئوریکمان نزدیکتر کند. از این رو مسأله‌ی

تک حجم ها به عنوان یک وجه تمایز احجامی را در خود خواهند داشت که به یک وضعیت پارادوکسیکال در این مدرسه پاسخ می‌دهند. ما تصمیم گرفتیم با الهام از کپرها، احجام مدرسه را به عنوان پارادوکسی درون ایده مطرح کنیم و از بار ایدئولوژیک یک طرز فکر بکاهیم. سطوح در پروژه ما به همراه باز شدن برنامه در سایت و پخش شدن عملکردها و در نظر گرفتن تمام سایت به عنوان عرصه ظهور برنامه به شخصیت پرسه زن اجازه می‌دهد راهروها را از آن خود کند و از فضاهای عمومی خوانش خود را انجام دهند، سن در این فضا مطرح نیست و کارآگاه بودن نقش کلیدی را برای خوانش فضا ایفا می‌کند. در نهایت با مرتب کردن تمام ایده‌ها به این نتیجه رسیدیم که به جای یک فضای مشاعی به عنوان یک قطعه، ما می‌توانیم مشاعاتی متنوع و نیمه خصوصی را در تمام مدرسه گسترش دهیم تا جایی که انگار این ساختمان مشاعی در مدرسه کش می‌آید و خود را در سایت پهن می‌کند. مشاعات در یک میدانگاه آملی تئاتر مجموعه را شکل می‌دهند و در میدانگاه دیگر به صورت یک سطح پایینی فضای ورزش را به صورت یک پلتفرم آزاد پیشنهاد می‌دهند و امکان شکل گیری فضای تعامل نوجوانان را در خود تقویت می‌کنند. این فضاها در یک رابطه نامرئی با راهروها قرار دارند که فضای استراحتگاه یا گلخانه‌های مدرسه به عنوان عناصری مستقل به این تنوع می‌افزایند و سعی در هموژن کردن این ترکیبات متنوع دارند. در کل طرح از توده های مختلف با سه گونه سیستم های حرکتی: ۱. پیچشی ۲. حلزونی و ۳. پله ای با پاسخگویی درونی و برونگرایی استفاده شده است.

موقعیت مکانی پروژه نیز فاکتور مهمی بود. روستای ملوران از توابع نیک شهر در ۵۰۰ کیلومتری زاهدان و در مجاورت با آب و هوایی گرم و مرطوب قرار گرفته است. منطقه ی سیستان و بلوچستان با توجه به موقعیت جغرافیایی، از یک طرف تحت تأثیر جریان های جوی متعدد مانند “جریان بادی شبه قاره هند” و به تبع آن باران های موسمی اقیانوس هند است و از طرف دیگر تحت تأثیر فشار زیاد عرض های متوسط قرار دارد که گرمای شدید مهمترین پدیده مشهود اقلیمی آن است. این دو خصیصه در شکل گیری کالبدی بناهای شهر سیستان مشابه سایر اقلیم‌های حاشیه خلیج فارس، تأثیر عمده را داشته است و گونه‌های سکونتی در نسبت با خصوصیات اقلیمی شکل گرفته‌اند. **مدرسه ملوران** تمرینی برای بررسی امکان بازگشت عاملیت معماری در موقعیت‌های به حاشیه رانده شده در گفتمان‌های معماری غالب می‌باشد. مسئله اساسی در طراحی مدرسه که زمین پروژه یکی از قطعات شهری ناهمگون با منطقه است، تمرین ایجاد الگویی به نسبت مناسب تر در چنین موقعیت‌هایی می‌باشد. به نظر می‌رسد. رابطه و نسبت بین پر و خالی اساسی‌ترین عامل در سازماندهی گونه مدرسه‌ها در اقلیم‌های متفاوت می‌باشد. فضای باز و نحوه سازماندهی آن و نوع دیالوگ و ارتباط فضای بسته با آن در طول تاریخ معماری پاسخی برای زیست‌پذیر کردن فضاها به واسط حضور معماری بوده است. در تمرین مدرسه فضای باز و منفی به دلیل قواره زمین امکان ایجاد فضای خالی یکدست را دارد. در داخل توده به گونه‌ای پخش می‌شود که تمامی فضاها به صورت مستقیم در تعامل و ارتباط با فضاهای منفی باشد. این نوع استراتژی امکان ایجاد پروژه‌ای را می‌دهد که رو به اقلیم خشن منطقه حالت بسته را به خود می‌گیرد و حداکثر گشودگی‌های ممکن را به خردفضاهای منفی درون خود ایجاد می‌کند. چگونگی رابطه درونی سلول معماری با شهر دستمایه اصلی طراحی این پروژه بود.

چیدمان حجم‌های مکعبی در داخل حجم به گونه‌ای است که از نظر ارتفاع متفاوت هستند؛ تنوع در سازمان فضایی ایجاد می‌کند. این باکس‌ها در عین حال حریم خصوصی و استقلال عملکردها را حفظ می‌کند و امکان حضور در داخل یا روی آنها وجود دارد و با قرار دادن فضای فعالیت‌ها و خدمات دانش آموزان در فضای باز میان، اجتماعی بودن انسان را مورد توجه قرار می‌دهد. در مدرسه، ایوان فضای زیسته فعال و ارتباط دهنده فضاهای داخلی با بیرون است. در مدرسه های معمول امروزه مرز بین درون و برون را خط دیوارها ایجاد می‌نمایند که بوسیله آستانه در و پنجره‌ها نفوذ به درون و برون را امکان پذیر می‌نمایند. در این پروژه ارتباط فضاها با راهروهای کنار از طریق ایجاد دو فضا در دو طرف میسر گردیده است: با بکارگیری پوسته فضایی در اطراف مکعب‌ها، مرز به دو فضای خالی زیست پذیر بدل گردیده است. دیالکتیک فضاهای خالی با حس گرم رنگ و بافت ، همراه با دید به آسمان و بیرون، با فضای زیست سفید میانی، کششی ویژه ایجاد نموده است.

Mahal School

"School" is not only as a type of architecture, but also as a part of the daily life and identity of teenagers, which goes beyond any physical place and reflects the relationship of teenagers with themselves, others and the surrounding world. The concept of "school" in Iran and the world has undergone significant changes over the past few decades; And culture is one of the most important of these changes. In the process of designing Meloran School, we found an opportunity to search for the deep contemporary meaning of "school". The school is definitely an attractive topic to implement the thoughts of an architectural office; Because, due to the medium scale, it has the ability to reproduce a separate space mechanism, which, while being in a certain context, can open up a new arena for an alternative type of space. And it can suggest a different spatial behavior to the city. According to education and the continuation of culture improvement with the presence of different groups makes this possible. Therefore, this project seeks to effectively interact with its context and become a safe and calm place that can restore the lost peace to its students. The school is located in Meloran village and next to the Vahdat synagogue. We have turned the school into a center of cultural gravity by increasing the performance of the space and moving the Eidgah Vahdat, which can be expanded and is welcomed and supported by all residents. and the production of cultural spaces for the establishment and continuation of cultural benefactors (which is the creation of a new word in addition to school benefactors), three-time spaces: noon (school educational spaces), afternoon (technical and professional activities and women's handicrafts) and a center for buying and selling next to the school) and at night (an extra-program and cultural space for playing movies and... and holding ceremonies) is one of the main goals of our design. .

The fact that we see the school as a big block in the village, which is limited in the form of a head office and a common building, requires a break and separation and rethinking. We need to blow up the program requested by the client and place it in new places during a surgery according to the original plan, and by decentralizing a certain block, we can use the roaming ability to conquer the space and turn it into a part of It increased its spatial identity. On the other hand, there are theories about a relationship with the ancestors of the region. The proximity of the burned city to the project site is a special and interesting space for all the people of the southern region. Therefore, the use of a continuous linear system in the overall design and

the systems inside the shells, which is somehow influenced by an internal organization and is a novel dialogue between the mass and the surface, which has emerged from the creation of a volumetric order. Also, this point is important in the architecture of the school, and they formed the visual and spatial identity in the functions, which as a result of these theories, the type of looking at the surfaces is in a way that separates itself from the floors and turns into spaces with imperceptible and variable heights. become This diminution of the concept of class and prioritization of space, as a factor that shapes architecture, was very important for us in the future organization of the school. From our point of view, there are a variety of floors to form the space, above or below them. As a result, the problem in the design of this school was a nature that was emphasized by the client and from the beginning, it made us to think about a formal nature in addition to its structural definition, and what kind of nature can make us meet our theoretical demands. get closer Therefore, the issue of single volumes as a distinction will have volumes that respond to a paradoxical situation in this school. Inspired by Capers, we decided to present school sizes as a paradox within the idea and reduce the ideological burden of a way of thinking. The levels in our project along with the opening of the program on the site and spreading the functions and considering the whole site as the arena of emergence of the program allow the wandering character to take possession of the corridors and do their reading from the public spaces. This space is out of the question and being a detective plays a key role in reading the space. Finally, sorting out all the ideas, we came to the conclusion that instead of a common space as a piece, we can spread diverse and semi-private commons throughout the school to the point where it is as if this common building extends into the school and finds itself in the school. The site spreads. Commons in one amphitheater arena form the complex, and in another arena, they offer a lower level of sports space in the form of a free platform and strengthen the possibility of forming an interaction space for teenagers. These spaces are in an invisible relationship with the corridors, which add the recreation space or school greenhouses as independent elements to this diversity and try to homogenize these diverse combinations. In the whole design of different masses with three types of movement systems: ١. Twisting ٢. Helical and ٣. stairs with internal and extraversion response have been used.

The location of the project was also an important factor. Meloran village is located in Nikshahr, ٥٠٠km from Zahedan and in the vicinity of hot and humid climate. Due

to its geographical location, the region of Sistan and Baluchistan is on the one hand influenced by numerous atmospheric currents such as the "Indian subcontinental wind current" and consequently the monsoon rains of the Indian Ocean, and on the other hand, it is under the influence of the high pressure of the mid-latitudes. Extreme heat is the most important visible phenomenon of its climate. These two characteristics have had a major impact on the physical formation of the buildings of Sistan city, similar to other climates on the Persian Gulf, and residential types have been formed in relation to the climatic characteristics.

The Meloran School is an exercise to examine the possibility of the return of architectural agency in marginalized positions in dominant architectural discourses. The basic issue in school design, when the project land is one of the urban parts that are heterogeneous with the region, is the practice of creating a more suitable model in such situations. It seems. The relationship and ratio between full and empty is the most basic factor in the organization of schools in different climates. Open space and how it is organized and the type of dialogue and connection of closed space with it throughout the history of architecture has been a response to make spaces livable through the presence of architecture. In the practice of the school, the open and negative space is possible to create a uniform empty space due to the earth's surface. It spreads inside the mass in such a way that all the spaces are directly interacting and communicating with the negative spaces. This type of strategy makes it possible to create a project that is closed to the harsh climate of the region and creates the maximum possible openings to the negative micro-spaces inside. How the internal relationship of the architectural cell with the city was the main basis for the design of this project.

The arrangement of cubic volumes inside the volume is such that they are different in terms of height; It creates diversity in spatial organization. At the same time, these boxes preserve the privacy and independence of the functions, and it is possible to be present inside or on them, and by placing the space of students' activities and services in the open space, it pays attention to human sociality. In the school, the porch is an active living space that connects the interior spaces with the exterior. In today's normal schools, the boundary between inside and outside is created by the line of the walls, which make it possible to penetrate inside and outside through the threshold of the door and windows. In this project, the connection of the spaces with the side corridors has been made possible by creating

two spaces on both sides: by using the space shell around the cubes, the border has turned into two livable empty spaces. The dialectic of empty spaces with a warm sense of color and texture, along with a view of the sky and outside, with the middle white living space, has created a special pull.